



برتری داده بود.  
- چون پیامبر(ص) مرا برای اخوت با خویش اختصاص داد.  
- چون خداوند دستور داد همه درب‌های منتهی به مسجد بسته شود، اما درب خانه من بسته نشد. (ماجرای سد الابواب)

- چون در روز خیبر پیامبر اکرم(ص) پس از ناکامی دیگران، پرچم را به من دادند و من نیز پیروز شدم و این امر موجب غمگین شدن آنان شد و...

علاوه بر این، طلحه و زبیر امیدوار بودند علی(ع) در امور با آن‌ها مشورت کند؛ چراکه این دو خود را با علی(ع) در رتبه و مقام مساوی می‌دانستند، آن‌ها امیدوار بودند پس از عثمان، بخشی از حکومت را به دست گیرند، زیرا آنان تردیدی در بدست آوردن حکومت بصره و یمن نداشتند، ولی چون خواست خود را مطرح کردند، حضرت علی(ع) آن‌ها را شایسته این امر ندانست و در نتیجه شد آنچه شد. سپاهی از مسلمانان وقت جمع شدند و علیه خلیفه وقت دست به شمشیر بردند، آن‌هم در شرایطی که حقی به آن‌ها تعلق نداشت و اسیر فتنه شده بودند.

را دروغگو خواندند. این اختلاف سبب درگیری و زد و خورد شد. این درگیری به جنگ بین دو گروه انجامید و کشته‌ها و زخمی‌هایی در پی داشت. سپس دو طرف توافق کردند دارالاماره، بیت المال و مسجد بصره، تا ورود امام علی(ع)، در اختیار عثمان بن حنیف باشد و طلحه و زبیر و یاران آن دو آزاد باشند.

#### ■ دیدگاه امام علی(ع) درباره آغازکنندگان جنگ

با توجه به سخنان امام علی(ع)، می‌توان دو دلیل را برای آتش افروزی مخالفان ذکر کرد:

۱. قدرت‌طلبی طلحه و زبیر  
آن حضرت در خطبه ۱۴۸ نهج البلاغه چنین می‌فرماید: هر یک از دو تن [طلحه و زبیر] کار [خلافت] را برای خود امید می‌دارد، دیده‌بدان دوخته و رفیقش را به حساب نمی‌آرد.

۲. کینه‌توزی  
این نکته قابل انکار نیست که کینه‌هایی نسبت به حضرت علی(ع) وجود داشته است؛ امیرالمؤمنین(ع) سابقه این امر را در مواردی برمی‌شمارد، از جمله اینکه:  
- چون پیامبر(ص) مرا بر همه اصحاب

به آنان پیوستند و همه در خانه جناب عایشه گرد آمدند.  
پس از آنکه سپاه طلحه و زبیر وارد بصره شدند، در مکانی به نام مرید توقف کردند. مردم بصره همراه با عثمان بن حنیف هم در مرید تجمع کردند. طلحه در خطبه‌ای که در بین مردم بصره ایراد کرد، قصد خود را از جنگ با امام علی، تلاش برای اصلاح امت پیامبر(ص) و ترویج اطاعت خدا بیان کرد.

طلحه با تمجید فراوان، خلیفه سوم را مظلوم خواند و سپس خود و یارانش را در پی خون‌خواهی عثمان معرفی کرد. زبیر هم سخنانی مشابه بر زبان راند و سپس جمعی از مردم به موافقت با آنان برخاستند و برخی دیگر سخنان طلحه و زبیر را دروغ خواندند و یادآوری کردند این دو بیشترین مخالفت را داشته‌اند.

پس از طلحه و زبیر، عایشه در حالی که درون کجاوه، بر شتر خود سوار بود و با صدایی بلند سخن می‌گفت، عثمان را خلیفه مظلومی خواند که پس از آنکه از گناهانش توبه کرده، به ظلم کشته شده است. وی، خواسته خود را کشتن قاتلان او دانست. پس از این سخنان، برخی از مردم او را تصدیق کرده و برخی دیگر او